



## کتابگزاری

پدیدآورنده (ها) : اشرف، احمد

علوم اجتماعی :: نشریه مطالعات جامعه شناختی :: دوره قدیم، زمستان ۱۳۴۷ - شماره ۲ (ISC)

صفحات : از ۲۱۳ تا ۲۳۶

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/94146>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۲/۰۴/۱۷

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه **قوانین و مقررات** استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



## مقالات مرتبط

- فلسفه: مباحثی در فلسفه تاریخ: تاریخ و وقایع نگاری
- فلسفه: مباحثی در فلسفه تاریخ: حقیقت در تاریخ
- فلسفه: مباحثی در فلسفه تاریخ: چه نیرویی ملتها را به حرکت در می آورد؟
- فلسفه: مباحثی در فلسفه تاریخ: آیا از تاریخ می توان آموخت؟
- فلسفه تاریخ: نگاهی به دیدگاههای رایج در فلسفه معاصر تاریخ
- کهن ترین برگردان فارسی کتیبه بیستون
- رویکردی پست مدرن به سه ضلع توسعه سیاسی: دولت، جامعه مدنی، شهروندی
- فلسفه: مباحثی در فلسفه تاریخ: فلسفه و تاریخ
- جامعه شناسی و مسئله هویت ایران (فراتحلیلی از مطالعات نظری و پژوهشی هویت)
- فلسفه: مباحثی در فلسفه تاریخ: خدا و انسان در تاریخ: لئوپولد فون رانکه
- از جامعه شناسی سیاسی تا جامعه شناسی دولت
- تبیین تاریخی چیست؟ (مروری بر کتاب «فلسفه تاریخ، روش شناسی و تاریخنگاری»)

## عناوین مشابه

- میراث جابر بن حیان یا مرده ریگ کیمیایی غالبان؟ (یک کتابگزاری و چند یادآوری)
- کتابگزاری: ترجمه جدیدی از قرآن مجید
- کتابشناسی و کتابگزاری: شهرهای ایران؛ از شهرهای کهن تا شهر نشینی امروزی

## رابرت مک ایور و جامعه‌شناسی درایتی و تفهیمی

رابرت مک ایور، جامعه و حکومت، ترجمه ابراهیم علی کنی، انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۲۳، تهران ۱۳۴۴، ۵۵۴ صفحه.

تا آنجا که بر نگارنده معلوم است، با آنکه سه سال از انتشار کتاب جامعه و حکومت می‌گذرد، هنوز نقدی از آن نشده است. جامعه و حکومت از آثار یکی از صاحب‌نظران جامعه‌شناسی و علم سیاست است. از اینرو، ترجمه و انتشار آن به زبان فارسی درخور تقدیر است و از این بابت زحمت مترجم کتاب مشکور. مک ایور ساده و روان می‌نویسد و ترجمه این اثر نیز روان است. به نظر نگارنده جای خالی در برگردان فارسی این کتاب معرفی نویسنده و گرایش فلسفی و نظری اوست. بجا بود که در مقدمه‌ای مقام علمی مک ایور و مبانی نظری آثارش باز گفته می‌شد تا زمینه لازم برای فهم کتاب حاضر فراهم می‌شد. و چون در این امر کوتاهی شده است، نگارنده لازم می‌داند که قبل از معرفی کتاب حاضر به معرفی مک ایور و آثارش و اشاره‌ای به گرایش نظری و فلسفی او بپردازد.

رابرت سورینس مک ایور Robert Mc Iver، جامعه‌شناس معروف و صاحب‌نظر آمریکایی، در سال ۱۸۸۲ در شهر استورنوی Stornoway واقع در اسکاتلند، به دنیا آمد. در سال ۱۹۰۳ از دانشگاه ادینبورگ Edinburgh درجه فوق‌لیسانس و در سال ۱۹۱۵ از همان دانشگاه درجه دکتری در فلسفه گرفت. در سال ۱۹۰۷ به تدریس علم سیاست در دانشگاه ابردین Aberdeen پرداخت و در سال ۱۹۱۵ به استادی علم سیاست در دانشگاه تورونتو Toronto نایل شد. از سال ۱۹۲۹ تا سال ۱۹۵۰ استاد علم سیاست و جامعه‌شناسی در دانشگاه کلمبیا بود. از سال ۱۹۶۲ تا سال ۱۹۶۴ استاد جامعه‌شناسی و رئیس «مدرسه جدید تحقیقات اجتماعی» نیویورک بود و در حال حاضر استاد افتخاری و عضو هیئت امنای این مؤسسه آموزش عالی است. وی همچنین به ریاست انجمن جامعه‌شناسان آمریکا نیز نایل شده است. مک ایور تألیفات بسیار در علم سیاست، اقتصاد، و جامعه‌شناسی دارد. کتاب حاضر معروفترین تألیف وی در علم سیاست و جامعه‌شناسی سیاسی است که در سال ۱۹۴۷ منتشر شده است. نخستین اثر معروف وی در جامعه‌شناسی تحت عنوان اجتماع Community در سال ۱۹۱۷

\* کلیه مقالات کتابگزاری این شماره از احمد اشرف است.

منتشر شد. در سال ۱۹۳۱ کتاب مشهور جامعه Society را منتشر کرد که چندین بار تجدید چاپ شد. در سال ۱۹۴۲ علیت اجتماعی Social Causation را منتشر نمود.

مک ایور از جامعه‌شناسانی است که واحد اصلی و اساسی نظام اجتماعی را عمل اجتماعی (social action) فرد آدمی در شبکه روابط اجتماعی می‌داند. عمل اجتماعی به این اعتبار از رفتار ساده و بدون منظور آدمی متمایز است. از اینرو، به‌طور کلی، می‌توان وی را در جرگه جامعه‌شناسان تفهیمی و تفسیری و جامعه‌شناسان صاحب‌نظر در نظریه عمل اجتماعی قرار داد. پیشرو این نحله در جامعه‌شناسی ماکس وبر است، که در جای دیگر به تفصیل از نظریه وی سخن گفته‌ایم.<sup>۱</sup> برای آشنایی با این گرایش در جامعه‌شناسی ذکر ریشه‌های فکری آن ضرور است.

خلاصه اینکه، علیرغم نظر شایع در مکتب تاریخی آلمانی، که امور انسانی را از امور طبیعی متمایز دانسته و معتقد بودند که مطالعه امور انسانی به‌عنوان علم امکان‌پذیر نیست و فاصله آشتی‌ناپذیری میان مطالعه امور انسانی و علوم طبیعی وجود دارد، دو تمایل اساسی برای مطالعه علمی پدیدارهای انسانی در تاریخ جامعه‌شناسی پدید آمده است. نخست «مکتب طبیعی» و دیگری «مکتب تفهیمی».

ریکرت Rickert و ویندل‌باند Windelband مطالعه و تحقیق در پدیدارهای جهان را به دو بخش کاملاً متمایز تقسیم می‌نمودند. نخست مطالعه امور نامکرر و منحصر به فرد انسانی، که آنرا ایده‌نگاری (ideography) یا توصیف پدیدارهای انسانی می‌نامیدند، و دیگر مطالعه قوانین عام و شامل (nomothetic) یا کشف قوانین عمومی و علت‌یابی پدیدارهای طبیعی. بدین اعتبار، امور انسانی به‌خاطر آزادی اراده بشری قانون‌ناپذیر بوده و تنها توصیف رویدادهای انسانی امکان‌پذیر است. در نتیجه، امور انسانی در قلمرو علوم طبیعی و تحت تسلط و حکومت قوانین عمومی و روابط انکارناپذیر علت و معلول نبوده و فاصله‌ای ژرف میان مطالعه رویدادهای انسانی و پدیدارهای جهان طبیعت وجود دارد.

در برابر انکار علم بودن مطالعه امور انسانی و نقی علوم اجتماعی به‌وسیله پیروان مکتب تاریخی، نظر فلسفی دیگری وجود دارد که در قطب مخالف آن قرار گرفته است. مکتب طبیعی که شامل مکتب‌های «اصالت رفتار خارجی»، مکتب «تحصیلی» قدیم و جدید، مکتب «اصالت واقع اجتماعی»، مکتب «اصالت فیزیکی پدیدارهای اجتماعی»، مکتب «اصالت عمل و تعریف عملی»، مکتب «اصالت کمیت» است، نظری را ارائه می‌دهد که مبتنی بر تداوم علمی «وجود» در همه پدیدارهای این جهان، اعم از طبیعی و انسانی است. بدین اعتبار، مطالعه علمی پدیدارهای انسانی با استفاده از روشهای علوم طبیعی، که با موفقیت کامل فایده‌خود را به اثبات رسانیده‌اند، کاملاً امکان‌پذیر است.

۱. رجوع کنید به «ماکس وبر و علوم اجتماعی» مجله سخن، ۱۳۴۶، شماره‌های ۲-۴.

در برابر این دو نظر، مکتب درایتی و تفهیمی کوشش دارد که در سنت ما کس و بر نظریاتی را که امکان‌پذیر بودن علوم اجتماعی را بعنوان علم انکار می‌کنند با تمایلات مکتب طبیعی، مبنی بر استفاده از روشهای علمی در مطالعه امور انسانی، بایگدیگر آشتی دهد. در این مکتب واحد اصلی حیات اجتماعی انسان اعمال معیندار اجتماعی افرادی است که در شبکه روابط اجتماعی عمل می‌کنند. از اینرو، شناخت مفهوم و تصویری که آنان (انسانها) از اعمال خود دارند اساسیترین امر و اصل و نقطه عزیمت تحلیل اجتماعی است. از اینرو، موضوع علوم اجتماعی از موضوع علوم طبیعی کاملاً متمایز است. اما استفاده از روشهای علمی در شناخت پدیدارهای انسانی امکان‌پذیر و ضروری است. گذشته از این، بخاطر آنکه نوعی نظم و ترتیب در اعمال اجتماعی انسان وجود دارد که با به کار بردن تصورات و مفاهیم کلی قابل درک و تفسیر هست، و همچنین بخاطر امکان احتراز از داوری در ارزشها، که یکی از ملاکهای علمی بودن در هر علمی است، علوم اجتماعی به‌عنوان علم امکان‌پذیر است.

جامعه‌شناسی تفهیمی در سالهای میان دو جنگ در آمریکا رواج پیدا کرد و هنوز طرفداران و نمایندگان معتبری دارد. از پیشروان و صاحب‌نظران جامعه‌شناسی تفسیری مک ایور، زنائیسکی Znaniski، تامس Thomas، بکر Becker و پارسنز Parsons هستند. هر کدام از این جامعه‌شناسان مفهومی را ارائه داده‌اند که در اصل با یکدیگر تشابه فراوان دارند. چنانکه مک ایور از «ارزیابی پویا» (dynamic assessment) و زنائیسکی از «ضریب انسانی» (human coefficient) و پارسنز از «عمل اختیاری» (voluntaristic ation) انسان و بکر از «ارزشهای انسانی» (human values) و تامس از «تعریف و وضعیت» (definition of the situation) سخن می‌گویند. بهر حال، منظور اصلی همان توجه خاص است به تصورات عاملان عمل اجتماعی و معنا و مفهومی که برای اعمالشان قایلند.

به نظر مک ایور، جامعه‌شناسی در روابط انسانی مطالعه و تحقیق می‌کند که با روابط فیزیکی و روابط اورگانی کاملاً تفاوت دارند. زیرا روابط انسانی به وسیله توافقی و شناسایی متقابل افراد تعیین می‌شود که آگاهی دارند، و نه به وسیله نظام اورگانی، چنانکه فونکسیونالیستها می‌پندارند، و نه به وسیله روابط فیزیکی، چنانکه اصحاب مکتب تحصیلی جدید باور دارند. از آنجا که شناسایی متقابل مستلزم آگاهی افراد از افراد دیگر به عنوان موضوعات مورد شناسایی است، تصور مک ایور از روابط اجتماعی حاوی تمایز بیان جنبه‌های عینی و ذهنی عمل اجتماعی است. به نظر مک ایور، عمل اجتماعی انسان حاوی تمایلات یا گرایشهای ذهنی است به اعیان خارجی و به سوی منافع یا اموری که تمایلات وی به سوی آنها جهت گرفته‌اند و اما کتاب جامعه و حکومت، که برگردان فارسی کتاب *The Web of Government* اثر مک ایور است، بر مبنای همان اصولی قرار دارد که ذکر آن رفت. با آنکه عنوان کتاب حاضر ترجمه دقیق عنوان آن از زبان انگلیسی نیست، نشانه خوبی است برای سباحی که نویسنده کتاب

مطرح کرده و مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. از اینرو، ایراد عمده‌ای بر مترجم کتاب وارد نیست. گرچه ترجمه دقیق عنوان کتاب ممکن است «بافت حکومت» یا «شبکه حکومت» باشد، ولی همان عنوان جامعه و حکومت نیز مناسب به نظر می‌رسد.

مک‌ایور مطالعات و تحقیقات فراوان تاریخی و اجتماعی دارد، و از آنجا که در فلسفه و نظریه‌های اجتماعی نیز صاحب نظر است، در ایجاد برآیندی از داده‌های تاریخی و اجتماعی با مفهومی نظری و کلی توانایی فراوانی دارد و هم مهارتی دارد در بیان مطالبش به زبان ساده و روان. هر دوی این مهارت‌ها را می‌توان در کتاب جامعه و حکومت مشاهده کرد.

مطالب این کتاب در ۶ بخش و ۱۳ فصل به‌نظم درآمده است و سرشار است از داده‌های متعدد و متنوع تاریخی و اجتماعی. بخش اول راجع است به پیدایش حکومت که حاوی ۳ فصل است. فصل اول درباره «انسان و حکومت» است. در این فصل نویسنده اساس و نظریه خود را مطرح می‌کند. درک این مبحث بدون توجه به مقدمه‌ای که درباره جامعه‌شناسی تفهیمی و نظریه مک‌ایور، دشوار است. مک‌ایور کتاب خود را با تمایز گذاشتن میان «پندار» (myth) و «تکنیک» آغاز می‌کند و می‌گوید «انسان به یاری ابداعات خویش از دیگر حیوانات پیشی گرفت و خویشتن را اشراف مخلوقات ساخت. چون در اینجا منظور ما این است که نشان دهیم حکومت انسان بر انسان چگونه پدید آمده، برای کمک به این منظور ابداعات بشر را به دو طبقه کلی تقسیم می‌کنیم و آنها را به ترتیب تکنیک و پندار می‌نامیم. مقصود از تکنیک هر نوع وسیله و مهارتی است که مردم را قادر می‌سازد به اشیاء و همچنین به اشخاص - بیشتر بنا به میل خود - سرو صورتی بدهند، تا از زحمت خود بکاهند، بر محصول کار خویش بیفزایند، دامنه تفریحات و لذایذ خود را توسعه دهند، برای حفظ پیروزی‌هایی که به دست آورده‌اند سازمان و تشکیلاتی به وجود آورند، دشمنان خود را متهور سازند، نیروهای طبیعت را مهار کنند، دانش خود را گسترش دهند و کارهای دیگری نظیر آن. تکنیک راه دانستن و شناختن است، که مقدمه تسلط است، و آلات و وسایلی نیست که انسان می‌سازد. افزار و ماشین هم نیست. بلکه مهارتی است که انسان در ساختن و آماده کردن ماشین و در خدمت آوردن آن به کار می‌برد. تکنیک طرز ساختن و آماده کردن اشیاء است و این امر علاوه بر اشیاء شامل اشخاص نیز می‌شود. مختصر، تکنیک دانشی است شامل جهان اشیاء که رابطه شخص و شیئی را در جهتی که مورد نظر شخص است، تغییر می‌دهد.

«براد از «پندارها» عقاید ارزش‌گذارده شده و تصوراتی است که مردم برطبق آنها و یا بخاطر آنها زندگی می‌کنند. پیوند هر جامعه بر اساس یک سیستم پندار قرار دارد و این سیستم ترکیبی است که از صور فکری غالب و رایج که تمام فعالیت‌های آن جامعه را تعیین و تأیید می‌کند. کلیه روابط و مناسبات اجتماعی و تاروپود جامعه بشر زاینده پندار و متکی به پندار است. مثلاً، روابط خانوادگی را در نظر بگیریم. این روابط زیستی نیستند، بلکه از یک سیستم

ارزشگذاری پیرامون جنسیت و تربیت فرزند به وجود می‌آیند. این روابط نیروهای زیستی را در مسیر معینی می‌اندازد و به آنها شکل می‌دهد و آنها را محدود می‌کند و همین سیستم متحرک ارزشگذار بهیاست که وظیفه بازی کردن نقشها را به پدر و مادر محول می‌کند، الگوی ازدواج را تعیین می‌کند، بر مناسبات والدین و فرزندان حکومت می‌کند، و گروه خویشاوندی را وحدت می‌بخشد. هر تمدنی، هر دوره‌ای، و هر ملتی پندارهای مخصوص به خود دارد... همانطور که کرم ابریشم دور خود پیله می‌تند، انسان نیز هر جا برود و با هر چیز مواجه شود تار پندارش را به دور خود می‌تند. هر فردی تار خود را درون تار گروه و جامعه خود می‌تند. پندار واسطه میان انسان و طبیعت است و آدمی از پناهگاه پندار خویش به مشاهده و آزمایش جهان می‌پردازد. و در درون پندار خود در خانه خود و در دنیای خود است... ما کلیه تمایلات و وجهه نظرهای بشری و همه شیوه‌های برخورد مردم را بازندگی در زمره پندار می‌گنجانیم. هر نوع اعتقادی که مردم نسبت به سرنوشت خود دارند، هر نوع اندیشه و تصویری که رفتار آنها را رهنمون است و امیال و آرزوهای ایشان را دامن می‌زند یا وجود و هستی را تحمل پذیری سازد همه و همه در مقوله وسیع پندار جای می‌گیرند.»<sup>۱</sup>

مک ایور سپس می‌پردازد به رابطه تکنیک و پندار و از تأثیر این دو در یکدیگر سخن می‌گوید: «پندارها و تکنیکهای بشر به یکدیگر بستگی دارند و چون پندارها تغییر پذیرند، تکنیکها در راههای دیگری به کار می‌افتند... از طرف دیگر با پیشرفت تکنیکها پندارها نیز متقابلاً وضع تازه‌ای به خود می‌گیرند و از همین جا بود که وقتی وسایل ارتباطی جدید مناطق مختلف یک کشور را به هم نزدیک ساخت، پندار ناسیونالیسم قوت گرفت. پندارها و تکنیکها در کلیه اعمال و فعالیتهای بشر بر یکدیگر تأثیر می‌بخشند.»<sup>۲</sup> به نظری، «تکنیک هرگز جای پندار را نمی‌گیرد، و فقط هنگامیکه پندار هدف را نشان می‌دهد تکنیک راه رسیدن به آن را هموار می‌سازد.»<sup>۲</sup>

چنانکه ملاحظه می‌شود، مک ایور از همان اصول جامعه‌شناسی تفهیمی پیروی می‌کند. یعنی می‌گوید که برای شناخت جامعه و نهادهای اجتماعی باید اعمال معنیدار فرد آدمی را از درون مورد بررسی و تحقیق قرار دهیم تا جامعه انسانی را که فراورده شبکه معانی و مفاهیم بشری است، بفهمیم. مسئله این است که انسان با معنی دادن به طبیعت و جهان و با معنی دادن به زندگی اجتماعی خود به بی‌نظمی و اغتشاش و هرج و مرج سر و صورتی میدهد و نظم و ترتیبی به وجود می‌آورد. بنابراین، واقعیت امور طبیعی و، به خصوص، واقعیت امور اجتماعی همان چیزی است که انسان آن را به عنوان واقعیت تعریف می‌کند. اینجا است که ما به همان قضیه

۱. کتاب حاضر، ص ۸ - ۶.

۱. کتاب حاضر، ص ۹.

۲. کتاب حاضر، ص ۱۰.

معروف تامس ، یکی دیگر از پیشوایان جامعه‌شناسی تفهمی ، می‌رسیم که می‌گوید «اگر انسان وضعیتی اجتماعی را به‌عنوان اسری واقعی تعریف کند برای او دارای نتایج و آثار امر واقعی خواهد بود.» در اینجا مسئله اساسی این نیست که چه عواملی موجب پیدایش «تعریف وضعیت اجتماعی» ، به‌قول تامس ، و یا «پندار» ، به‌گفته مک‌ایور ، می‌شوند . ممکن است تکنیکها و تحولات و تغییرات مادی پندارها را تغییر دهند ، اما آنچه اهمیت دارد این است که انسان برای همین تغییرات و برای همین وضعیت جدید معنا و مفهومی قایل می‌شود که شناخت آن اساس و مبنای تحقیقات جامعه‌شناسی است . زیرا همین معنا و مفهوم انسانی است که محرک اصلی اعمال و رفتار آنان می‌شود و به‌اعمال آنان جهت می‌دهد .

نظریه مک‌ایور درباره حکومت شباهت زیادی دارد به نظریه ما کس و بر درباره ماهیت سلطه مشروع و انواع آن . به‌نظر ما کس و بر ، اساس حکومت ، فرمانروایی سران حکومت و فرمانبرداری تابعان حکومت است . اطاعت تابعان ، که اساس سلطه سیاسی فرمانروایان است، مبتنی است بر تصویری (یا به‌قول مک‌ایور «پنداری») که آنان ، یعنی هم فرمانروایان و هم فرمانبرداران ، از این رابطه اجتماعی دارند .<sup>۱</sup> مک‌ایور می‌گوید ، « حکومت تشکیلات مردم است در زیر سلطه قدرت ، و پندارهای دائماً متغیر ایشان به یک نحو بر فرمانروایان و فرمانبرداران حکومت می‌کند.»<sup>۲</sup>

مک‌ایور ، نیز، مانند ما کس و بر ، نظریه‌های دیگری را که برای تبیین رابطه فرمانروایان و فرمانبرداران و اطاعت مردم از فرمانهای سران حکومت وجود دارد ، رد می‌کند . مهمترین این نظریه‌ها آنست که زور و اعمال قدرت محض به‌وسیله افراد یا گروههایی موجب پیدایش حکومت اقلیت بر انبوه مردم شده است .

مک‌ایور در این باره می‌گوید . « این فکر که زور خالق حکومت است ، مبین جزئی از حقیقت است و افکاری که واجد جزئی از حقیقت هستند عموماً تولید اشتباهات کلی می‌کنند . . . در این مورد ، این توجیه از آن جهت پذیرفتنی است که در هر نظام اجتماعی امتیاز و حق اعمال زور با حکومت می‌باشد و جامعه پیوسته با حکومت یک گروه یا طبقه حکمفرما سروکار دارد و توسعه قلمرو حکومت معمولاً از طریق فتوحات تحقق می‌پذیرد ، و شکل حکومت در اغلب موارد از راه انقلاب یا کودتا معین می‌شود ، و با ملاحظه همین جهات است که نتیجه گرفته می‌شود که زور علت وجودی حکومت می‌باشد . اما این نتیجه‌گیری بکلی نادرست است.»<sup>۳</sup>

خلاصه اینکه ، به‌نظر مک‌ایور و ما کس و بر ، زور به تنهایی موجب پیدایش و دوام حکومت نیست . زیرا ، اولاً ، اقوام فاتح در ابتدا به‌خاطر عواملی غیر از زور محض با یکدیگر

۱. رجوع کنید به مقاله نگارنده، «جامعه‌شناسی سیاسی ما کس و بر»، مجله سخن، سال ۱۳۴۶،

شماره‌های ۱۰-۱۲.

۲. کتاب حاضر، ص ۱۰.

۳. کتاب حاضر.



متحد و همبسته شده‌اند، و دیگر اینکه، برای دوام حکومت «اتوریت» یا «سلطه مشروع» (که در متن کتاب حاضر به «اقتدار» ترجمه شده است) ضرورت دارد. «در هر حکومت متشکل زور متکی به نوعی اقتدار است و زور بدون وجود اقتدار وسیله مخرب و بی‌هدف و بی‌ثمری است. اقتدار بنیان جامعه را استوار می‌سازد. زوری که در اختیار حکومت است فقط وسیله اقتدار است و اقتدار نظمی به وجود می‌آورد که زور به تنهایی قادر به ایجاد آن نیست. دوام اقتدار، قبل از هر چیز، به پندارهای کسانی که بر آن گردن نهاده‌اند، بستگی دارد. این پندارها، که از فطرت اجتماعی انسان ناشی می‌شوند، دستاویزی به حکومت می‌دهند که بدون آن هیچ پادشاهی و پارلمانی و هیچ مستبدی و دیکتاتوری هرگز نمی‌تواند بر مردم حکومت کند.»

به نظر ما، ایراد عمده‌ای به این نظریه وارد است. درست است که زور به تنهایی نمی‌تواند موجب دوام و قوام حکومت شود و پندارها یا تصورات مردم درباره مشروعیت نظام سیاسی و حکومت امری ضروری است. ولی آنچه حایز نهایت اهمیت است و مورد توجه مکتب ایور قرار نگرفته پیدایش این پندارها و منشاء آنهاست. بدین معنی که در غالب موارد طبقه‌حاکم با وسایلی که در اختیار دارد به ایجاد پندارها و تصورات و، به بیان دیگر، به ایجاد «ایدئولوژی» لازم برای مشروع جلوه دادن فرمانروایی خود می‌پردازد. و ما نیک می‌دانیم که طبقه‌حاکم در ایجاد نشانه‌های اساسی و پندارها و ایدئولوژیها و قبولاندن آنها به مردم نقش مؤثری دارد. یکی از عوامل مؤثری که در غالب موارد عملاً در خدمت طبقه‌حاکم قرار گرفته و حکومت طبقه‌حاکم را مشروع جلوه داده مذهب است. زیرا مذهب از مهمترین عوامل ایجاد پندارها و تصورات و ایدئولوژیهاست و، از همین رو، در غالب جوامع بشری و دوره‌های تاریخی طبقه‌حاکم روحانیان و پیشوایان مذهبی را در منافع سیاسی و اقتصادی و اجتماعی خود سهیم و شریک کرده و با همکاری یکدیگر بر انبوه خلق حکومت کرده و آنها را استثمار کرده‌است.

از اینرو، به نظر ما، انتقاد مکتب ایور به نظریه مارکس درباره اینکه قهر و غلبه موجب پیدایش حکومت است وارد نیست. در اینجا ایراد عمده‌ای که به مکتب ایور وارد است اینست که نظریه مارکس را با نظریه داروینیستهای اجتماعی همچون گمپلویچ، راتزنهوفر، و اوپنهایم مخلوط کرده و در یک صفحه به صورت تحریف شده‌ای از آنها بحث کرده است. درست است که هر دوی این نظریه‌ها نزاع گروه‌ها را منشاء پیدایش طبقه‌حاکم و حکومت می‌دانند، ولی مارکس معتقد به تنازع درون-گروهی است، درحالیکه گمپلویچ و اوپنهایم معتقد به نزاع میان-گروهی هستند. گذشته از این، مارکس هرگز اهمیت پندارها یا ایدئولوژی طبقاتی را در دوام و بقای حکومت دست کم نگرفته و در یک نظام نظری نسبتاً کاملی آنها را در نظر آورده و از نقش آنها در مشروع جلوه دادن نظام اجتماعی به تفصیل سخن گفته است. ضمناً، مکتب ایور خود در

فصل دوم همین کتاب منشاء حکومت را در همبستگی و ادارهٔ امور «خانواده به‌عنوان قلمرو» معرفی می‌کند. مارکس هم در تحلیل خود از پیدایش نایراییهای اجتماعی به این استوجه کرده و تطور جامعهٔ ابتدایی اشتراکی را به دوره‌های تاریخی دیگر همراه با تمایل خانواده‌ها به تمایز میان رئیس خانواده و بقیهٔ اعضا، از یکسو، و برده‌داری خانگی، از دیگر سوی، دانسته است.

فصل دوم به منشاء حکومت در خانواده و تطور حکومت درونی خانواده به دولت اختصاص دارد. فصل سوم دربارهٔ پندار اقتدار یا سلطهٔ مشروع است. در این فصل از رابطهٔ پندار اقتدار با جامعه و رسمی شدن و تطور آن بحث می‌شود. بخش دوم از پایه‌های اقتدار بحث می‌کند و خود شامل ۳ فصل است. فصل چهارم دربارهٔ قلمرو قانون است. فصل پنجم به هرم قدرت سیاسی اختصاص دارد. در این فصل از قشر بندی قدرت سیاسی بحث می‌شود و نظریه‌های مختلف در آن ارزیابی می‌شود. فصل ششم بحثی است دربارهٔ مالکیت و مقام اجتماعی، که در آن از روابط مالکیت و طبقه و قشرهای اجتماعی با حکومت بحث می‌شود. بخش سوم دربارهٔ اشکال حکومت است. فصل هفتم اختصاص دارد به بررسی اجمالی اشکال حکومت و تحول آن. فصل هشتم از راههای دموکراسی بحث می‌کند. در این فصل از پیدایش دموکراسی، جامعه، دولت، و سازمان عقاید بحث شده است. فصل نهم دربارهٔ راههای دیکتاتوری است. در این فصل از وجوه مشترک حکومت‌های دیکتاتوری و انواع دیکتاتوری در آمریکای لاتین و دیکتاتوریهای فاشیست و نازیست و دیکتاتوری نوع شوروی بحث می‌شود.

بخش چهارم به تحولات حکومت اختصاص دارد. فصل دهم راجع است به انقلاب و تحول. فصل یازدهم دربارهٔ دگرگونی وظایف حکومتهاست که از وظایف فرهنگی، وظایف رفاهی و نظارت اقتصادی بحث می‌کند. فصل دوازدهم از روابط ملتها بحث می‌کند. بخش پنجم، که حاوی فصل سیزدهم است، نتیجه‌گیری مکی‌ایور است از فرضیهٔ خود دربارهٔ حکومت.

به نظر ما، با همهٔ ایرادات نظری به کار مک‌ایور، کتاب جامعه و حکومت کتاب سودمندی است که می‌تواند از چند جهت مورد استفاده قرار گیرد. از این کتاب می‌توان به عنوان کتاب درسی برای درسهای جامعه‌شناسی، جامعه‌شناسی سیاسی، و علم سیاست استفاده کرد. از آنجا که مباحث کتاب ساده و روان است و مترجم کتاب نیز در کار ترجمه موفق بوده است و این اثر را روان و ساده به فارسی برگردانده است، همهٔ علاقمندان به مباحث سیاسی و جامعه‌شناسی سیاسی می‌توانند از آن به راحتی استفاده کنند. ولی، متأسفانه، قیمت سنگین کتاب جوانان و دانشجویان را از فراهم کردن آن محروم می‌کند. این ایراد به‌نگاه ترجمه و نشر کتاب وارد است که با همهٔ کمکهایی که از دستگاه‌های خصوصی و سازمانهای دولتی می‌گیرد قیمت زیادی روی کتابهایش می‌گذارد. درست است که این کتاب ۴۰۰ صفحه دارد و کاغذش اعلا و جلدش زیباست، ولی پرداخت ۳۰ تومان برای بسیاری از طالبان این کتاب و نشریات دیگر به‌نگاه ترجمه و نشر کتاب سنگین است و دشوار.

City and Village in Iran :  
Settlement and Economy in the Kirman Basin  
by Paul Ward English,  
The University of Wisconsin Press, Madison, 1966.

شهروده در ایران کتابی است درباره همبستگی اورگانی سکونت و اقتصاد در حوضه کرمان و ، چنانکه خواهیم دید ، از نظر برنامه ریزی منطقه‌ای، که این روزها مورد توجه قرار گرفته است، حایز اهمیت . پل وارد انگلیش، نویسنده کتاب ، دانشیار جغرافیا و معاون « مرکز مطالعات خاورمیانه» در دانشگاه تگزاس است و در سالهای ۱۳۴۱-۴۲ در منطقه کرمان به مطالعه و تحقیق اشتغال داشته و این کتاب ثمره آن تحقیق است. کتاب حاضر در ۷ فصل و ۶ بخش ضمیمه تنظیم شده است : فصل اول ، درباره محیط جغرافیایی کرمان ؛ فصل دوم ، در باره تحول تاریخی سکونت در منطقه از دوران باستان تا عصر حاضر، فصل سوم ، درباره الگو و ریخت شناسی سکونت ؛ فصل چهارم ، در باره ساخت اقتصادی-اجتماعی سرزمین کرمان ؛ فصل پنجم، درباره تسلط شهر و اقتصاد منطقه ؛ فصل ششم درباره ثبات و تغییر در کرمان ؛ و فصل هفتم نتیجه گیری مؤلف است از تحقیقات خویش .

مؤلف سبانی نظری و فرضیه‌های خویش را در نتیجه گیری خود به خوبی و روشنی خلاصه کرده است . از آنجا که انتقاد از فرضیات و تحقیقات مؤلف مستلزم آشنایی با نظریه اوست ، ابتدا ترجمه آزادی از نتیجه گیری وی را عرضه می کنیم و سپس به انتقاد از آن می پردازیم :

« ماهیت تسلط شهر و رشد شهرنشینی در دوره‌های فتوادی پیشین و ادامه حیات آن در دوره جدید از لحاظ جغرافیایی نتایج چندی داشته است . اگر الگوهای دشت کرمان نمونه‌ای از آن باشند- و دلیل کاملی برای باور داشتن آن وجود دارد- فونکسیونهای شهرها و روستاهای خاورمیانه و سازمان اجتماعی و اقتصادی روستایی در این منطقه ، و طبیعت جریان نوسازی (مدرنیزاسیون) در این سرزمین به بحث بیشتری نیاز دارد .

« شهرهای خاورمیانه در عرف ، تقریباً ، انبارهای تجارت بین المللی توصیف شده‌اند . در مورد قرار گرفتن این شهرها در تقاطع راههای دنیای قدیم و اهمیت آنها به عنوان متصل کننده

جریان کالاها و ایده‌هایمان شرق و غرب تا کیداغراق آمیزی شده است. از نظر یک اروپایی، تجارت بین‌المللی علت وجودی شهرهایی چون مشهد، تهران، تبریز، اصفهان، و کرمان بوده است. بردن نام آنها کاروانسراها، بازرگانی ابریشم و ادویه‌های شرقی رابه یاد می‌آورد. اما این که هریک از این شهرها مرکز منطقه کشاورزی غنی بوده‌اند و اینکه بیشتر این شهرها در تولید محصولات خاصی چون قالی تخصص دارند، که بابه کار بردن مواد خام نواحی اطراف تولید می‌شود، به ندرت ذکر شده و، به بیان دیگر، وظایف منطقه‌ای شهرهای خاورمیانه فراموش شده است.

«شهر کرمان، که در این کتاب مورد نظر ما است، پایتخت اداری، اقتصادی، و اجتماعی جنوب شرقی ایران است. بیشتر اهالی شهر کرمان سرگرم جمع‌آوری و به جریان انداختن مواد خاصی هستند که از منطقه کرمان به دست می‌آید، و کالاها، مواد، و خدمات را در این منطقه وسیع توزیع می‌کنند. حتی در قرن نوزدهم، هنگامی که کرمان مرکز مهم تجارت در شاهراه هند بود، ثروت آن مبتنی بود بر تولید محلی خشکبار، ادویه، شال، و قالی و نه بر تجارت عبوری. شهر کرمان بهیچ وجه یک شهر مجزا و منزوی نیست بلکه مرکز اصلی الگوی سکونت است که در یک منطقه سازمان یافته است. این الگوی خاص کمتر از الگوهای موجود در مناطق مرطوب آشکار است. و این امر به سبب اهمیت حیاتی فراهم کردن آب و تأثیر بسزای قنات در انتخاب محل سکونت است. اما سلسله مراتب آشکار محله‌های سکونت، مراتب آنها از نظر قدمت، وسعت، و آب، و حقوق دانداری دلیلی است بر وجود یک الگوی سکونت عقلایی که ارتباطات مداوم میان همه بخشها بدان توسعه و دوام بخشیده است. وجود کرمان مبتنی است بر هماهنگی و بهره‌وری از منابع موجود در مناطق اطراف و نه بر موقعیت محلی آن بر سر راه‌های تجارتنی.

«توصیف متداول مرسوم از روستاهای خاورمیانه، به عنوان سکونتگاه‌های مجزا، همگون و خود-مصرف، که در درجه اول مورد توجه متخصصان امور کشاورزی بوده است، حتی از آن هم تحریف شده‌تر است. سکونتگاه‌های روستایی خاورمیانه ظاهری گمراه کننده دارند. از دور مجزا و منفرد به نظر می‌آیند، زیرا اراضی خشک آنها را فرسنگها از نقاط مسکونی همسایه جدا می‌کند و خط میان کویر و اراضی سزرعی بسیار مشخص است. از نظر داخلی، ریختشناسی (morphology) محل سکونت، که روشنگر خصیصه ابتدایی وسایل اقتصادی و فقر واحد مسکونی است، این تصویر اولیه را تشدید می‌کند. اما در کرمان سکونتگاه‌های متکی به خود وجود ندارد. و اگر تاریخ منطقه به درستی تفسیر شود، هرگز چنین محله‌هایی وجود نداشته است. تمام این محله‌های مسکونی ارتباط خود را با شهر کرمان به درجات مختلف حفظ کرده‌اند. جدایی نقاط مسکونی ناشی از توزیع آبگیرهاست که برای تدارک آب مورد احتیاج است. در دسترس بودن

مناطق مسطح برای کشت و زرع، و تعداد زیادی از عوامل دیگر نیز در انتخاب محل مؤثر بوده‌اند. عدم توسعه این مناطق، حتی نقاط مسکونی بزرگی چون ماهان و جوبار ناشی از اقتصاد شایع در آنجاست نه از انزوای طبیعی سکونتگاهها.

«بعلاوه، سکونتگاههای روستایی در منطقه کرمان از نظر مشاغل و ساخت اجتماعی همگون نیستند. این روستاها از نظر اندازه و پیچیدگی ساختمان اجتماعی و اقتصادی از مراکز فرعی منطقه تایک قصبه کوچک را شامل می‌شوند که بایکدیگر متفاوت هستند. ریختشناسی آنها با توجه به شرایط محل، توسعه تاریخی، و وظایف منطقه‌ای متفاوت است.

«برخی از آنان اقتصاد تخصصی دارند: آنهایی که از نظر تدارک آب قابل اتکا هستند زراعتی می‌باشند و دیگران که مراتع وسیع دارند اقتصادشان گردشگری متمرکز شده است، و برخی دیگر برای بهره برداری یک عامل محیطی مانند سوخت یا صیقلکاری طرح ریزی شده‌اند. این تنوع ریختشناسی سکونت در ساختهای پیچیده شغلی انعکاس یافته است. در نقاط مسکونی بزرگتر از میان مشاغل عمده مانند بافندگان خانگی، دامداران، کشاورزان و کارگران خدمات و صاحبان مشاغل تخصصی، و صاحبان صنایع دستی، کشاورزان غالباً در اقلیت هستند. در واقع ساختهای شغلی ماهان و جوبار شباهت زیادی به ساختهای شغلی شهر کرمان دارد و این خصوصیات سکونت، خصوصیات زندگی روستایی درخاور میانه را که میان مشاهده گران خارجی متداول است محل تردید و تأمل قرار می‌دهد. الفاظی چون «جامعه روستایی» دلالت دارد بر تصوراتی اساسی که با تدارک به دست آمده از منطقه کرمان تأیید نمی‌شود. سکونتگاهها بطور مشابه کوچک و همگون و متکی به خود نیستند. آنها نمایشگر واحدهای اورگانی و فونکسیون — چنانکه ردفیلد Redfield آنها را توصیف کرده است — نمی‌باشند. همچنین محل سکونت مردمانی نیستند که دارای نظارت مؤثر بر قطعه‌بی‌زمین بوده و با تاروپود سنتها و احساسات و عواطف پیوند خورده باشند. تعریف کروبر Kroeber مناسبتر است که در مورد کرمان می‌توان آن را بدین ترتیب به دست داد که مردم منطقه کرمان رابطه نزدیکی با مراکز شهری دارند و بخشی از یک واحد بزرگتر هستند؛ آنها جوامعی جزئی (partial societies) هستند. در نظر آوردن یک سکونتگاه منفرد که جدا از موقع جغرافیایی آن باشد، غیر واقعی است.

«بخاطر آنکه روستاسوی شهرجهت یافته است، مطالعه نظامهای بزرگتر و پیچیده‌تر، یعنی نظامهای منطقه‌ای، ضروری است. در این مطالعه داده‌هایی که از کرمان به دست آمده است حایز اهمیت است. الگوهای اقتصادی سرزمینی در این منطقه دلیلی است بر دوام و بقای یک ساخت فئودالی در کشاورزی و سایر فعالیت‌های اقتصادی. قرارداد میان زمیندار و کشاورز، میان اداره کننده کارگاههای قالیبافی و بافندگان، و میان تاجریشم و دامداران به نحو قابل ملاحظه‌ای مشابه یکدیگر است. این روابط تا حدی تشابه ساختهای اقتصادی شهروده و همچنین خصوصیات

شهری شده بیشتر روستائیان کرمان را تبیین می کند. آنها ممکن است نمونه‌ای باشند از آنچه ماینر Miner «تداوم شهروده» نامیده است.

«سرانجام، شواهد و مدارک به دست آمده از کرمان نشان می‌دهد که تأثیر مدرنیزاسیون در خاورمیانه الگوهای اجتماعی را به نحو عمیقتری نسبت به سازمان اقتصادی تغییر داده است. ضعف الگوهای سنتی خانواده موجب نابسامانی اجتماعی بیشتر، بخصوص در میان طبقه متوسط شهری شده است. با توجه به اینکه این طبقه متوسط عمده‌ترین نیروی محرک تغییر اجتماعی در منطقه است، این تمایل بدون تردید در آینده شدیدتر خواهد شد. افول قشر روحانیون مسلمان، که از طریق رهبری سختگیر خود برای اصلاح طلبان بسیاری از کشورهای خاورمیانه نشانه ارتجاع شده‌اند، مسئله جدیتری را مطرح می‌کند، زیرا وقتی که رهبران فردا با شتاب سنتها را کنار می‌گذارند، خود را بیش از پیش بدون هدف و جهت در خلأی اخلاقی می‌یابند.

«این مسئله در مجموع خود حاکی از دوام زمینه اقتصادی جامعه فئودالی ایران است. در این کشور تغییر اقتصادی فقط صورت ظاهر برگزیدگان را تغییر داده است، آنها فقط امتیازاتی به دوران جدید داده‌اند بدون آنکه نظارت خود را بر اقتصاد جامعه از دست بدهند. طبقه بالای شهری در استفاده از عوامل مهم تکنولوژی جدید و به کار بردن ماهرانه آنها برای تحکیم تابعیت ده در برابر تقاضاهای شهر موفق شده است. عوامل تغییر دریافت کهن اقتصادی در جامعه ادغام شده‌اند. از اینرو، در حالیکه خاورمیانه در لبه یک تغییر اجتماعی انقلابی قرار دارد، الگوهای اقتصاد فئودالی در این منطقه همچنان دست نخورده باقی مانده است. نظام اجتماعی هنوز ثروت را در دست یک گروه کوچک گزیده متمرکز کرده و هنوز نیروهای توسعه را در نقاط کوچکتر تضعیف می‌کند، و از اینرو، به اجتماعی بایک گروه گزیده ثروتمند و غیرمولد که به دشواری بردوش انبوه فقیران سوارند، دوام می‌بخشد.»

شهروده در ایران کتابی است سودمند، فصلهایی که مربوط است به مطالعه و تحقیق مؤلف در منطقه کرمان جالب توجه به نظر میرسد. بخصوص، توجه مؤلف به وحدت و همبستگی منطقه‌ای میان روستاها و شهرهای حوضه کرمان حایز اهمیت است. مؤلف کتاب را می‌توان از لحاظ نظری از طرفداران فونکسیونالیسم منطقه‌ای دانست. در این نظریه اجزای یک منطقه را به عنوان اجزاء یک مجموعه تام واحد و همبسته در نظر می‌آورند و نه به عنوان واحدهایی مجزا و منفرد. استنتاج مؤلف کتاب درباره روابط اقتصادی و اجتماعی و سیاسی میان شهرها و روستاهای منطقه درست به نظر می‌رسد و مدلی که وی برای بررسی موضوع به کار می‌برد مناسب است. به خصوص آنکه، چنین برداشتی از نظر بررسیهای منطقه‌ای و برنامه ریزی منطقه‌ای، که امروز مورد توجه سازمانهای برنامه ریزی قرار گرفته است، حایز نهایت اهمیت است. به کار بردن چنین الگویی برای مطالعه و تحقیق در منطقه زلزله زده خراسان جنوبی نیز می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد و برای دوباره سازی این منطقه سودمند افتد.

ایراد عمده‌ای که بر این کتاب وارد است مربوط است به فصل دوم درباره تحول تاریخی سکونت در کرمان. این فصل از عهد باستان تا دوره حاضر را در برمی‌گیرد و از نظر داده‌ها و منابع تاریخی و بخصوص از نظر تجزیه و تحلیل و تفسیر آنها ضعیف به نظر می‌رسد. مؤلف کتاب کوشش می‌کند که شهر کرمان را شهری فتودالی معرفی کند. ولی به تفاوت‌های عمده‌ای که میان شورهای فتودالی اروپایی در قرون وسطی با شهر کرمان در طول تاریخ وجود داشته است توجهی نمی‌کند و واقعیتهای تاریخی را نادیده می‌گیرد. با این همه، کتاب حاضر بسیار سودمند است و امید است که این کتاب به فارسی برگردانده شود. بخصوص آنکه قسمت اصلی کتاب ۱۱۴ صفحه است و در برگردان فارسی می‌توان از ترجمه ضمایم آن، که بیشتر برای خوانندگان خارجی سودمند است، صرف نظر نمود.

مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی

منتشر کرده است

وضع و شرایط روح علمی

ژان فور استیه

ترجمه علیمحمد گاردان

# International Encyclopedia of the Social Sciences

edited by Davis L. Sills

Macmillan Company & the Free Press, 17 Vols., 1968.

دایرةالمعارف بین‌المللی علوم اجتماعی مجموعه عظیمی است از معارف اجتماعی در کشورهای غربی. این مجموعه در ۱۷ مجلد تنظیم شده است. شانزده جلد نخست از موضوعها و مفهومیهای علوم اجتماعی به ترتیب حروف الفبا بحث می کند و صاحب نظران آن را معرفی می کند و جلد هفدهم به فهرست اعلام و فهرست موضوعی اختصاص دارد. هر مجلد متجاوز از ۵۰۰ صفحه دارد به قطع بزرگ و چاپ نفیس. متجاوز از ۱۰۰۰ تن از اهل علوم اجتماعی از ۳ کشور در تدوین و نگارش حدود ۱۸۰۰ مقاله شرکت کرده اند و ۶۰۰ مقاله بیوگرافی دانشمندان و متفکران و صاحب نظرانی است که به نحوی به علوم اجتماعی خدمت کرده اند. حدود ۹۶ درصد از نویسندگان مقاله ها به نسل حاضر تعلق دارند و تنها ۴ درصد آنان در نگارش نخستین دایرةالمعارف علوم اجتماعی، که در سال ۱۹۳۵ منتشر شد، شرکت داشته اند. با آنکه به این دایرةالمعارف نام بین‌المللی داده اند، تسلط دانش و سرمایه آمریکایی آشکار است. گردانندگان و ناشران و اغلب نویسندگان این مجموعه امریکایی هستند و علوم اجتماعی امروز غربی، که رنگی آمریکایی دارد، در این مجموعه به خوبی متجلی شده است. در هیئت مشاوران، که ۷۵ نفرند، فقط یک نفر از لهستان و یک نفر از یوگوسلاوی شرکت دارند و ۷۳ نفر بقیه به ترتیب از آمریکا و اروپا و کشورهای دوست هستند<sup>۱</sup>.

رشته های اصلی علوم اجتماعی که در این دایرةالمعارف مورد بررسی قرار گرفته اند، و هر کدام رشته های فرعی دیگر دارند، عبارتند از انسانشناسی، جامعه شناسی، اقتصاد، تاریخ، جغرافیا، سیاست، حقوق، آمار، روانشناسی، و روانپزشکی. هر مقاله ای را متخصص صاحب نظر همان موضوع نوشته و کتابشناسی سودمندی ضمیمه آن کرده است. مقاله ها به دقت مورد بررسی هیئت تدوین کنندگان قرار گرفته و شیوه نگارش آنها تا حد امکان یکدست شده است. با آنکه این دایرةالمعارف کار تازه ایست، سرگذشت آن مربوط می شود به دایرةالمعارف

---

۱. ارقامی که در این قسمت آمده مأخوذ است از فهرست اعلام و فهرست موضوعی دایرةالمعارف

در جلد هفدهم و اسامی هیئت مشاوران در ابتدای جلد اول.



علوم اجتماعی که در سال ۱۹۳۵ چاپ آن پایان یافت. مؤلف آن دایرةالمعارف آلون جانسون Alvin Johnson بود، که ریاست افتخاری هیئت نویسندگان دایرةالمعارف تازه را نیز برعهده دارد. آلون جانسون، که حال باید بیش از ۸۰ سال داشته باشد، چهارکار بزرگ در نیم قرن اخیر انجام داده است. نخستین کار با ارزش وی تأسیس «مدرسه جدید تحقیقات اجتماعی» است در نیویورک که آن را با همکاری متفکران بزرگی چون ویلن T. Veblen و میچل R. Michel در سال ۱۹۱۹ بنیان نهاد. بنا کردن این مدرسه قیاسی بود علیه نظام مستقر دانشگاهها در آمریکا؛ همان نظامی که ویلن را به خاطر انتقاد از نظام آموزشی آمریکا و تسلط سرمایه داران بردانشگاهها، از خود رانده بود و از تدریس محروم کرده بود. این مدرسه کرسی آزادی شد برای بحث و انتقاد و طرح مسایلی که دانشگاهها بدان نمی پرداختند.

دومین کار بزرگ وی تألیف دایرةالمعارف علوم اجتماعی بود با همکاری سلیگمن Slegman. این دایرةالمعارف، که در ۱۵ جلد منتشر شد، در سالهای ۱۹۲۷-۳۰ بدون گردید و در سالهای ۱۹۳۰-۳۵ انتشار یافت. این دایرةالمعارف، که در آن زمان کاری عظیم بود، تا امروز مورد مراجعه و استفاده دانشجویان، محققان و اهل علوم اجتماعی بوده است. و به خاطر آنکه معرف طرز فکر و دانش اجتماعی غربی در آن زمان است دارای ارزش تاریخی است و همواره سودمند و مورد استفاده خواهد بود.

سومین کار بزرگ جانسون در دوره تسلط فاشیسم بر اروپا بود. وی در این دوره وسایل سفر دانشمندان اروپایی را فراهم ساخت و دانشگاهی برای تبعیدشدگان پدید آورد. در این دانشگاه صاحب نظرانی چون گورویچ Gurvich، ویتهايمر Vitheimer، کوهلر Kohler و بسیاری دیگر تدریس می کردند. این دانشگاه بعد از جنگ ضمیمه «مدرسه جدید تحقیقات اجتماعی» شد.

چهارمین کار بزرگ آلون جانسون جلب توجه صاحب نظران و ناشران برای تدوین دایرةالمعارف حاضر است. وی پس از آنکه بطور مداوم لزوم تجدید نظر و تجدید چاپ دایرةالمعارف علوم اجتماعی را متذکر می شد، در سال ۱۹۵۰، به تقاضای همکاران و ناشران، تجدید نظر در آن مجموعه را مورد بررسی قرار داد و به این نتیجه رسید که یک سوم مقاله ها را باید بکل کنار گذاشت و آنها را با تغییراتی تنظیم کرد و یک سوم دیگر را به همان صورت پیشین دوباره چاپ کرد.<sup>۱</sup>

سرانجام، در سال ۱۹۵۰، به تقاضای مکرر جانسون، یک گروه ۵ نفری به ریاست آلن والیس A. Wallis و عضویت دیویس K. Davis، کلا کن Clukohn، لانیر L. Lanier، مک کینلی Mc Kinley، موستلر Mosteller، شلسینگر Schlesinger و وایتر Viner، که به ترتیب جامعه شناس، انسان شناس، روان شناس، عالم سیاست، آمار شناس، مورخ و اقتصاد دان بودند، مأمور بررسی این کار

۱. مقدمه آلون جانسون بر جلد اول دایرةالمعارف حاضر.

شدند. این گروه گزارشی تنظیم کردند و پیشنهاد نمودند که دایرة المعارف جدید دارای خصوصیات زیر باشد: اول، بیشتر جنبه تخصصی داشته باشد و مطالب عمومی که در دایرة المعارفهای دیگر مورد بحث قرار می گیرند، در آن درج نشود. دوم، رشته های نزدیک و مربوط به علوم اجتماعی، مانند زیستشناسی انسانی و زبانشناسی نیز مورد بحث قرار گیرند. سوم، مباحث تجربی و داده های گردآمده در علوم اجتماعی نیز در دایرة المعارف جدید معرفی شوند. چهارم، نویسندگان آن محدود به آمریکان نباشند و صاحب نظران کشورهای دیگر نیز در نگارش مقالات شرکت کنند. پنجم، این مجموعه در حدود ۸ میلیون کلمه نوشته شود.<sup>۱</sup>

این پیشنهاد تا سال ۱۹۶۰ به دست فراموشی سپرده شد و اقدامی برای تدوین دایرة المعارف نشد. در آن سال بنگاه نشر کتاب مک میلان ۲ میلیون دلار به این کار اختصاص داد و بنگاه بزرگ انتشاراتی فری پرس نیز در این امر شرکت کرد. والیس به ریاست هیئت مشاوران منصوب شد و شیلز Shills، کپلن Caplin و جنویتز Jnovitz با وی همکاری داشتند و سیلز Silles کلیه کارهای مدیریت را برعهده گرفت. تا آنکه پس از ۸ سال کار مداوم دایرة المعارف با همکاری نزدیک به دوهزار نفر آماده شد و به بازار آمد.<sup>۲</sup>

چنانکه گفتیم، بیش از دو هزار تن از اهل علوم اجتماعی از سی کشور غربی در نگارش و تدوین مطالب این مجموعه همکاری کرده اند. هیئت مشاوران دایرة المعارف ۷۰ تن بوده اند و احسان نراقی نیز از ایران عضو این هیئت بوده است. سرپرستان رشته های مختلف علوم اجتماعی به شرح زیر بوده اند: هاینز ایول H. Eulau، سرپرست بخش علم سیاست؛ لوید فالرز L. Fallers، سرپرست بخش انسانشناسی؛ ویلیام کروسکال W. Kruskal، سرپرست بخش روانشناسی؛ آلبرت ریس A. Rees، سرپرست بخش اقتصاد؛ آلبرت رایس A. Reiss، سرپرست بخش جامعه شناسی؛ وادوارد شیلز E. Shills، سرپرست بخش تفکرات اجتماعی. پنج نفر دیگر نیز سرپرستی رشته های خاص علوم اجتماعی چون روانشناسی تجربی و مانند آن را بر عهده داشته اند. عده ای نیز به عنوان همکار سرپرستان در این کار مستقیماً شرکت داشته اند.

تدوین دایرة المعارف علوم اجتماعی کار بزرگ و سودمندی است و معرف سوقیت کنونی علوم اجتماعی در دنیای غرب است. با آنکه چنین دایرة المعارفی روشنگر توافقی گروهی از صاحب نظران علوم اجتماعی است و نشان دهنده این واقعیت است که امروز درباره بسیاری از مفهوما و نظریه ها و مسایل علوم اجتماعی میان علمای اجتماع اشتراک نظر وجود دارد،

۱. مقدمه والیس بر جلد اول دایرة المعارف حاضر.

۲. همان مقدمه.

ناگفته نباید گذارد که گفته‌های دایرةالمعارف حجت نیست و درباره بسیاری از مسایل مطروحه در دایرةالمعارف گفتنی بسیار است و اختلاف سلیقه و نظر فراوان . با آنکه مؤلف هر مقاله کوشش کرده است نظریه‌های مختلف درباره موضوع را معرفی کند ، بهرحال این کار را به سلیقه خویش کرده و نظر خویش را ارائه داده است . از این امر نیز گزیری نیست .  
با ایتمه ، دایرةالمعارف بین‌المللی علوم اجتماعی وسیله سودمندی است برای مراجعه و فراهم آوردن آن بویژه در کتابخانه‌های دانشگاهی ضروری است .

مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی

منتشر می‌کند

# تحول دانشگاهها در اروپا و امریکا

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

ترجمه ناصر موفقیان

بامقدمه‌ای از دکتر احسان نراقی در باره  
مسائل کنونی دانشگاهها در جهان غرب

## Urbanization and Regional Planning in Iran

By George Kondracky

جورج کندراکی ، کارشناس برنامه ریزی شهری و منطقه‌ای اکافه ECAFE ، در اواخر سال ۱۳۴۵ به ایران آمد و تا اوایل سال بعد مطالعات سریعی درباره مسائل شهرنشینی و برنامه ریزی منطقه‌ای در ایران انجام داد .

نتایج این مطالعات و تحقیقات در سال ۱۳۴۶ تحت عنوان شهرنشینی و عمران منطقه‌ای در ایران به وسیله اکافه به زبان انگلیسی منتشر گردید . این گزارش در ۹۵ صفحه و شامل ۸ بخش زیر است :

مقدمه ، پیشنهادات اساسی ، اوضاع و احوال عمومی ایران ، مسائل و آینده شهرسازی در ایران ، رسیدگی به طرحهای جامع شهری و اجرای آنها ، جنبه‌های برنامه ریزی فیزیکی منطقه‌ای ، روش‌شناسی برنامه ریزی منطقه‌ای ، مناطق شهری انتخاب شده ، جنبه‌های اداری برنامه ریزی فیزیکی . قسمت عمده این گزارش ، یعنی از صفحه ۴۳ تا صفحه ۹۱ ، اختصاص یافته است به برنامه ریزی منطقه‌ای .

اساس این گزارش مبتنی است بر آنچه که در اصطلاح برنامه ریزی فیزیکی خوانده می‌شود . کندراکی در مقدمه خود می‌گوید . « برنامه ریزی فیزیکی کوششهایی است به منظور برنامه ریزی برای مجموع محیط ، شامل محیط طبیعی و ساخته‌های انسانی ، که در اراضی و ساختهای فیزیکی بر روی آن متجلی می‌گردد . بنابراین ، برنامه ریزی فیزیکی جلوه‌گاه سیاست اقتصادی-اجتماعی کشور است . سرمایه‌های عظیمی که هر ملتی فراهم می‌کند کیفیت محیط فیزیکی و توزیع و توزیع مجدد نیروهای تولیدی آن را به سرعت تغییر می‌دهد . هدف برنامه ریزی فیزیکی نیل به محیطی مطلوب است با استفاده عاقلانه از اراضی و سرزمینهای کشور ، مردمان آن و منابع طبیعی آن . » ( ص ۲ )

کندراکی سپس اضافه می‌کند که « توسعه یک ملت دارای تجلیات مشخصی در مکان است . . . استقرار یک فعالیت اقتصادی مستلزم سرمایه گذاری متوازن در تأسیسات عمومی ، راهها ، تسهیلات حمل و نقل ، خانه‌ها ، و تأسیسات بهداشتی است . در حال حاضر برنامه ریزی اقتصادی همواره با برنامه ریزی فیزیکی همبستگی ندارد . در نتیجه ، هرچند استقرار یک فعالیت اقتصادی

به رشد اقتصادی کشور مدد می‌کند ، الزاماً موجب ترقی اجتماعی و فرهنگی و توسعه محیط فیزیکی مطلوب برای تمامی ملت نمی‌شود . برای بهبود تمام محیط به وسیله برنامه ریزی فیزیکی باید اوضاع و احوال موجود ، تا آنجا که ممکن است ، شناخته شود و مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد .

کوچکترین واحد شناخته شده برنامه ریزی اقتصادی ، برنامه بخشهای اقتصادی است ، که همیشه نمی‌توان آن را به نقشه های توسعه و عمل یا مکان جغرافیایی معینی برگرداند . از سوی دیگر ، بزرگترین واحد برنامه ریزی امر شهرسازی است که بیشتر مربوط است به استفاده از اراضی و مسائل شهری . میان این دو شیوه برنامه ریزی شکاف آشکاری وجود دارد که باید به وسیله برنامه ریزی منطقه ای پر شود .» (ص ۲-۳)

به نظر کندراکی ، « برنامه ریزی منطقه ای به جزئیات توزیع نیروهای تولیدی بر اساس بررسیهای جامع اجتماعی ، اقتصادی ، و فیزیکی منطقه رسیدگی می‌کند و پیشنهاداتی می‌دهد برای توسعه منطقه بر اساس رشد جمعیت ، تغییرات اقتصادی-اجتماعی ، سطح درآمد و اشتغال ، جمعیت آینده ، بهبود وضع اجتماعی و توزیع مکانی همه آنها . بنابراین ، برنامه ریزی اقتصادی در سطح ملی و برنامه ریزی فیزیکی در سطح منطقه ای می‌تواند مکمل یکدیگر باشند .» (ص ۳)

چنانکه متذکر شدیم ، قسمت اساسی گزارش وی در باره عمران سرزمینهای کشور و برنامه ریزی منطقه ایست که مباحث اساسی آن عبارتند از مفهوم منطقه های شهری و روش شناسی عمران منطقه ای که در این بررسی به اختصار آنها را معرفی می‌کنیم .

### مفهوم منطقه های شهری

رشد متعادل کشور ایران نیازمند توسعه متوازن نقشه های کشاورزی و صنعتی از طریق همبستگی عوامل اجتماعی ، اقتصادی ، فیزیکی و اداری است . . . . ۹۰ و روستا که در کشور پهناور ایران پراکنده اند به صورت واحدهای کوچک زراعتی درآمده اند و انجام خدمات کافی برای آنها دشوار و پرهزینه است . به سبب موقت بودن مصالح ساختمانی و ظاهر این روستاها ، که منعکس کننده نقش گذشته آنها به عنوان واحدهای روستایی در اقتصاد کشور است ، منطقی نیست که آنها را در محلهای سابق تجدید ساختمان کنیم . برای دوباره سازی روستاهای کشور سه راه حل به نظر می‌رسد . اول اینکه ، بعضی از این روستاها در اطراف قلمرو خدمات عمومی شهرها متمرکز شوند تا بتوانند از این خدمات استفاده کنند . راه حل دوم اینکه ، تعدادی از این روستاها در واحدهای کشاورزی بزرگتری گرد آیند به نحوی که اندازه اقتصادی کافی برای ایجاد تأسیسات شهری و توسعه عمیق کشاورزی داشته باشند . راه حل سوم اینکه ، منطقه های شهری عمده مشخص شوند و به نحوی رشد و توسعه یابند که به صورت قطبهای توسعه اقتصادی در آیند و از راه برنامه ریزی منطقه ای روستاها جزئی از منطقه شهری شوند که بر تسهیلات

آبیاری و توسعه صنعتی عمیق مبتنی هستند .

این قطبها به صورت کانونهای دینامیک رشد و توسعه برای تمام اقتصاد کشور درخواهند

آمد .

علت اینکه کندراکی راه حل سوم را می پذیرد این است که وی معتقد است که، به علت شرایط دشوار اقلیمی در ایران، آبیاری مهمترین عامل رشد و توسعه اقتصاد کشور و سرزمینهای آن بوده است . و نظر به اینکه آب عامل تعیین کننده الگوهای سکونت و فعالیتهای اقتصادی بوده است و احداث قنات راه حل اساسی در برابر این دشواری ، بنابراین ، باید مشکل کمبود آب و استفاده عاقلانه از آن را ، که برای زراعت و صنعت و زندگی شهری و روستایی ضروری است، به صحیحترین وجه حل کرد . بنابراین ، وی پیشنهاد می کند که اگر در منطقه های انتخاب شده که گرداگرد یک یا چند شهر اصلی رشد یافته اند ، مناطق اصلی و قطبهای توسعه شهری و روستایی ایجاد کنیم، می توانیم در یک سطح کوچکتر مشکل آبیاری را حل کنیم . یعنی واحدهای عمیق کشاورزی و صنعتی در منطقه هایی که امکان بهره وری از آب سدها وجود دارد به وجود آوریم و این منطقه ها را توسعه بدهیم .

بدیهی است که این سدها با توجه به شرایط کنونی ایران باید سدهای چند منظوره باشند، یعنی هم برای آبیاری مناطق روستایی و هم برای تأمین آب شهرها و صنایع و هم برای تأمین نیروی برق به کار آیند . بدین ترتیب ، منطقه های کوچکی که گرداگرد یک یا چند شهر اصلی به وجود می آیند و سدهای آبیاری چند منظوره دارند ، به صورت قطبهای توسعه صنعتی و کشاورزی در خواهند آمد و از فشار جمعیت در حال افزایش کشور خواهند کاست و یک رشد متوازن کشاورزی و صنعتی را به بهترین نحو عملی خواهند ساخت .

به نظر کندراکی، هم اکنون ۹ منطقه شهری عمده در ایران وجود دارد . سنتها تا کنون به عنوان واحدهای برنامه ریزی برای توسعه و عمران منطقه ای مورد استفاده قرار نگرفته اند . این مناطق عبارتند از :

- ۱ . منطقه تهران که از گرسار تا دشت قزوین امتداد دارد ؛
- ۲ . منطقه مثلث شکل ساری - بابل - بابلسر که طرح آبیاری دارد ؛
- ۳ . منطقه رشت - بندر پهلوی که برسد چند منظوره سفیدرود متمرکز شده ؛
- ۴ . منطقه اصفهان - ری - مروان که در اراضی آبیاری زاینده رود متمرکز شده ؛
- ۵ . منطقه شیراز - تخت جمشید - فسا که در سد چند منظوره کر متمرکز شده ؛
- ۶ . منطقه آبادان - اهواز - دزفول که در اراضی آبیاری سد دز متمرکز یافته ؛
- ۷ . منطقه همدان که در اراضی آبیاری سد شهناز متمرکز یافته ؛
- ۸ . منطقه تبریز ؛
- ۹ . منطقه مشهد ؛

به عقیده کندراکي ، این منطقه‌های و گانه قابلترین و مستعدترین مناطق کشور برای رشد متوازن اقتصادی براساس ملاک اصلی نقشه توسعه متعادل صنعت و کشاورزی هستند . توسعه متوازن شهری-روستایی ، مناطق نه گانه شهری را به صورت قطبهای توسعه برای ترقی اقتصادی - اجتماعی تمام کشور درآورده و ابزار اساسی تسریع نفوذ ارزشهای شهری در بقیه جمعیت روستایی خواهد بود . به نظر کندراکي ، نیل به رشد متعادل شهری-روستایی با به کار بردن فنون برنامه ریزی منطقه‌ای میسر خواهد بود . برنامه ریزی منطقه‌ای طبیعت خدمتی را که هریک از این منطقه‌های متمرکز شده در گرد شهرها به تمام کشور انجام خواهند داد به وسیله مشخص نمودن استعدادها و منابع طبیعی و توازن جمعیت هر منطقه معین می نماید . بدین ترتیب ، آثار صنعتی شدن و توسعه فیزیکی محدود به مناطق شهری نشده و بر توسعه مناطق روستایی به وسیله جلب جمعیت و افزایش منابع غذایی به شهرها تأثیر خواهد گذاشت . جریان شهری شدن دارای خصیصه منطقه‌ای شده و بر تمام محیط منطقه تأثیر خواهد کرد .

هریک از این منطقه‌ها شامل عوامل مختلف و به هم پیوسته‌ای هستند . در هر منطقه یک مرکز برای فعالیتهای اداری و تجارتي و فرهنگی وجود خواهد داشت . این مرکز همچنین تسهیلاتی را فراهم خواهد ساخت که تمام منطقه از آن استفاده خواهند کرد : مانند خدمات و وظایف عمده فروشی . همچنین در مناطق روستایی کارگاههای صنایع دستی دایر خواهد شد . وظایف عمده منطقه باید به طور جامع برنامه ریزی شود . مانند توزیع مواد غذایی و محل بازارها ، فرودگاه ، محل شرکتهای تعاونی روستایی برای خرید ماشین ها و مواد مصرفی ، مراکز تفریحی و آموزشی و فرهنگی و بهداشتی و تسهیلات لازم ارتباطات در منطقه برای مرتبط ساختن روستاها و مراکز شهری به یکدیگر .

منطقه شهری همچنین یک واحد برنامه ریزی برای توزیع نیروی برق خواهد بود . این برنامه ریزی براساس احتیاجات صنعتی و زندگی شهری-روستایی انجام خواهد شد . توزیع آب و برق تسهیلات لازم برای توسعه شهرنشینی و توسعه صنعتی را در منطقه فراهم خواهد ساخت . برنامه ریزی فیزیکی باید به انطباق متناسب توزیع جمعیت با هدفهای برنامه تسهیلات منطقه و به عکس مدد کند .

خلاصه ، مهاجرت میان نواحی کشور باید پیش بینی شده و برنامه‌ای ریخته شود برای ایجاد یک محیط فیزیکی مناسب که بتواند مهاجران را در مناطق انتخاب شده بپذیرد . بعلاوه ، ارتباطی منطقی میان شهر و مناطق اطرافش و همچنین میان هریک از این مناطق و گانه باید ایجاد شود . ایجاد خطوط ارتباطات از اهم وسایل نیل بدین منظور است . بدیهی است که در ایجاد خطوط ارتباطی حدا کثر بهره‌وری از منابع طبیعی و صنایع باید در نظر گرفته شود .

انجام موفقیت آمیز این روش در برنامه ریزی نیازمند تجدیدنظر در ساخت اداری کشور است . به علت اینکه دستگاههای گوناگون عهده دار جنبه‌های مختلف توسعه و عمران مناطق یاد

شده هستند، هماهنگ کردن آنها از اهم مسائل است .

ایراد عمده‌ای که به پیشنهاد کندراکی وارد است ظرفیت محدود سدهاست در مناطق نه گانه . الگوهای سکونت در کشور ایران که سابقه‌ای کهن دارند ، بر اساس کم‌آبی در این سرزمین تحول یافته‌اند . و نظر باینکه بسیاری از اجتماعات روستایی از آب قنات‌ها و چشمه‌ها استفاده میکنند، تخلیه آنها از جمعیت منابع و ذخایر پراکنده آب در سرزمین ایران را به هدر خواهد داد بدون آنکه سدهای مناطق مذکور توانایی و ظرفیت کافی برای تأمین آب جمعیت اضافی را داشته باشند . مسئله دیگر آنست که چنین برنامه‌ای به دستگاه اداری کارآمد و با کفایت و به کوششی عظیم نیازمند است .

## روش شناسی برنامه ریزی منطقه‌ای

۱ . مشخص کردن منطقه :

انتخاب منطقه‌های برنامه‌ریزی باید به صورت اقدام مناسبی برای مرتبط و همبسته کردن هدفهای برنامه‌ریزی ملی در نظرآید . استفاده از واحدهای برنامه‌ریزی منطقه‌ای باید شکاف میان برنامه‌ریزی بخشها به عنوان کوچکترین واحد برنامه‌ریزی اقتصادی و برگردان فیزیکی آن به صورت نقشه‌های توسعه و عمل را پر کند . در تعیین وسعت یک منطقه و مشخص کردن حدود آن ، عواملی که باید در نظر گرفته شوند عبارتند از درجه وحدت جغرافیایی ، اقتصادی ، اجتماعی و اداری در محدوده یک منطقه آبیاری و توسعه عمقی کشاورزی (ص ۴۱) .

۲ . موقعیت جغرافیایی :

تجزیه و تحلیل عوامل ثابت جغرافیایی در منطقه ، که ما را به فهم بهتر منطقه انتخاب شده و برای توسعه آن و تنظیم روابط عمومی میان طبیعت خاکشناسی منطقه و پستی و بلندیهای آن و پوشش گیاهی و آب و هوای آن یاری می‌کند (ص ۴۱) . این مطالعات شامل توصیف منطقه مورد نظر از لحاظ سرزمین ، جمعیت ، و تقسیمات اداری آن می‌شود . جنبه‌های مربوط به پستی و بلندیهای منطقه (توپوگرافی) ، بررسی رودخانه‌ها ، بررسی خاک و زمین‌شناسی منطقه ، هواشناسی منطقه ، بررسی حوادث طبیعی منطقه ، بررسی خصوصیات اساسی سرزمین ، که آن را از مناطق دیگر متمایز می‌کند .

۳ . جمعیت و الگوهای سکونت در منطقه :

هدف این مطالعات روشن کردن مشخصات جمعیت ، الگوی اشتغال ، و مشخصات اجتماعی و مذهبی مردم منطقه است . همچنین روشن کردن تأثیرات جغرافیا ، هوا و منابع طبیعی در فعالیتهای شهری و روستایی و الگوهای سکونت در منطقه است . « (ص ۴۲)

۴ . استفاده از اراضی و منطقه بندی :

«هدف این بررسیها استفاده از اراضی در سطح منطقه‌ای و طبقه بندی و تعیین سرزمینهای



مناسب برای انواع مختلف توسعه شهری و روستایی است.» (ص ۴۳) در این قسمت کندرا کی به تفصیل بیشتر مطالعات لازم را معین کرده است .

۵ . منابع طبیعی (زمین ، جنگل ، منابع نیرو) :  
هدف طرح جامع منطقه‌ای افزایش موفقیت هدفهای سلی از طریق ارزیابی ، توسعه بهره‌برداری و ذخیره زمین ، جنگل ، و منابع معدنی برای نیل به هدفهای زیر است :  
الف) عمیق کردن و متعدد کردن تولید کشاورزی برای کاهش واردات و افزایش صادرات برای احتیاجات داخلی منطقه .

ب ) بهره‌برداری از مواد خام برای رفع نیازهای در حال افزایش صنعت .  
پ ) بهبود و توازن سطح زندگی جمعیت شهری و روستایی .  
ت) بهبود قابلیت تولید اقتصادی منابع جنگلی و افزایش خدمت این رشته به اقتصاد محلی منطقه (ص ۴۴) .

کندرا کی سپس درباره منابع آب و استفاده از آن ، دامداری ، و منابع طبیعی منطقه از مراکز تفریحی و جلب مسافر در صفحات ۴۵ - ۴۶ بحث می کند .  
۶ . توسعه صنعت :

هدف برنامه توسعه اقتصادی در منطقه توسعه متوازن صنعت است با توجه به عوامل منابع طبیعی ، توسعه زیربنای اقتصادی ، توزیع جمعیت ، فنون تولید ، تعلیم و تربیت ، آموزش حرفه‌ای و امور مربوط به مطلوب بودن محیط شهری . برنامه‌ریزی منطقه‌ای با روش جامع خود می‌تواند ملاکهای اتخاذ تصمیم برای انتخاب صنایع و محل تأسیس آنها در منطقه را بهبود بخشد (ص ۴۶) .

وی سپس درباره این دو امر ، یعنی ملاکهای انتخاب صنایع و محل آنها ، در صفحه ۴۷-۴۸ توضیح می‌دهد .

۷ . خدمات خرده‌فروشی و عمده‌فروشی :

هدف اساسی این برنامه‌ها توزیع مناسب فعالیتهای تجارتي و دادوستد در منطقه است .

۸ . تسهیلات حمل و نقل :

کندرا کی در این قسمت درباره اهمیت حمل و نقل و انواع آن برای توسعه منطقه سخن می‌گوید .

۹ . تأسیسات آب و فاضل آب .

۱۰ . مسکن .

۱۱ . برنامه‌ریزی برای اجتماعات روستایی .

۱۲ . بهداشت عمومی

۱۳ . آموزش و پرورش

۱۴. مخابرات .

۱۵. نیروی کار .

۱۶. جنبه‌های اداری و مدیریت .

در بخش هفتم گزارش، کندرا کی از منطقه‌های نه گانه‌ای که ذکر آن رفت، به تفصیل بیشتر سخن می‌گوید و جنبه‌های مختلف هریک را مورد بحث قرار می‌دهد. و در آخر این بخش، یعنی در صفحات ۹۰ - ۹۱، از برنامه‌های منطقه‌ای سازمان برنامه سخن می‌گوید .

در بخش هشتم از جنبه‌های انتخاب شده برنامه‌ریزی فیزیکی سخن می‌گوید و تجدید نظر در سازمانهای مربوط را پیشنهاد می‌کند .

با همه ایراداتی که نظریه و پیشنهادات کندرا کی دارد توجه خاص به آن در زمانی که برنامه‌ریزی منطقه‌ای در کشور مورد توجه قرار گرفته است نهایت ضرورت را دارد .

مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی

منتشر کرده است

انسان گرسنه

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

چاپ دوم با تجدید نظر و افزوده‌ها

ژوزوئه دو کاسترو

ترجمه منیر جزئی (مهران)